

نگاهی به دلایل شکست و موفقیت آثار روی پرده

بد موقع؛ خوش فروش!

گروه سینما

گزارش

فصل چندان خوبی برای اکران نیست اما فیلم‌های نسبتاً خوبی از فیلمسازان خوبی روی پرده است. پیمان معادی پس از چند سال باز هم در قامت کارگردان ایستاده و «بمب، یک عاشقانه» را روی پرده دارد، رامبد جوان با «قانون مورفی» آمده، کمال تبریزی بالاخره «مارموز» را اکران کرده، هاتف علیمردانی کمدی سیاه «کلمبوس» را دارد و فیلم‌های دیگری در کنار این آثار شاخص روی پرده هستند. به همین بهانه نگاهی داشتیم به دلایل شکست و موفقیت فیلم‌های روی پرده که در ادامه می‌خوانید.

آستیگمات



در شرح وضعیت این فیلم باید گفت، فیلمی خوب که قربانی وضعیت اکران و تصمیم‌های غلط شد. «آستیگمات» فیلم خوبی است که قصه‌اش به خوبی تعریف می‌شود، کارگردانی‌اش سر و شکل خوبی دارد و از همه مهم‌تر بازی‌های بازیگرانی چون مهتاب نصیرپور، باران کوثری، محسن کیایی و... قابل تحسین و بی‌بدیل است اما در خصوص اکران آن همچون اجحافی که در فجر گذشته به آن شد، شرایط بدی رقم خورد. فیلم در چند هفته اول اکران خود به فروش قابل توجهی دست پیدا کرد و درصد رضایتمندی مخاطبان از آن بالا بود اما با دست دادن سرگروه و کمتر شدن سینماهای نمایش دهنده آن، این موفقیت ادامه‌دار نشد.

قانون مورفی



پس از تجربه متفاوت فیلم «نگار»، رامبد جوان باز هم به سراغ ژانر کمدی رفت و این‌بار «قانون مورفی» را به قلم پوریا شجاعی و محمدعلی حسینی و تهیه‌کنندگی محمد شایسته ساخت و چند روز پیش راهی پرده سینما کرد. از اکران «قانون مورفی» خیلی نگذشته است و به همین دلیل قضاوت در مورد موفقیت یا شکست آن شاید چندان درست نباشد اما مشخص است که «قانون مورفی» در گیشه شکست نخواهد خورد چنانکه در چند

روز نخست اکران توانست به فروشی قریب به نیم‌میلیارد تومان برسد. رامبد جوان در تجربه‌های سینمایی پیشین خود ثابت کرده است توانایی ساخت آثار استاندارد و پرمخاطب را دارد از همین‌رو کمدی خوش‌ریتم و هیجان‌انگیز «قانون مورفی» نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود و این انتظار می‌رود بتواند موفقیت فیلم‌هایی چون «ورود آقایان ممنوع»، «پسر آدم، دختر حوا» و... را تکرار کند. به علاوه این‌که چهره مردمی رامبد جوان در جامعه به‌واسطه برنامه «خندوانه» و سابقه درخشان او در حوزه ساخت آثار کمدی و همچنین حضور بازیگران محبوبی چون امیر جعفری و امیر جدیدی در این کار از دیگر برگ برنده‌های این کمدی خوش‌ریتم و استاندارد است که می‌تواند مخاطب را در وهله اول برای تماشای «قانون مورفی» مجاب کند.

دزد و پری ۲



حسین قناعت سال‌هاست که هم و غم خود برای ساخت آثاری در ژانر کودک و نوجوان گذاشته است و این اواخر بر آن شده تا وجه مفرح فیلم‌هایش بیش از پیش باشد و تمامی خانواده را درگیر کند. فیلم «دزد و پری» اثری مناسب برای رده سنی کودک و نوجوان بیش از یک سال پیش روی پرده سینما رفت و به فروش قابل توجهی دست پیدا کرد، احتمالاً همین مسئله، قناعت را بر آن داشت تا «دزد و پری ۲» را بسازد. فیلم در حال حاضر اکران است و

هنوز نتوانسته به فروش قابل توجهی دست پیدا کند، البته چنین فصلی برای اکران آثار ژانر کودک و نوجوان اصلاً مناسب نیست و اکران در این بازه زمانی به‌نوعی بداقبالی گروه سازنده است. این در حالی است که قناعت کمتر از سه ماه پیش فیلم «لازانی» دیگر ساخته خود را به اکران رساند و این فیلم توانست به‌رغم کیفیت نامطلوب به کمیت خوبی و قابل توجهی در فروش دست پیدا کند، اتفاقی که دیگر در سینمای ایران چندان عجیب نیست. «دزد و پری ۲» یک فیلم مفرح برای رده سنی کودک و نوجوان با بازی امیرحسین صدیق، ارژنگ امیرفضلی، شقایق فراهانی، بهنوش بختیاری، نادر سلیمانی و رامین ناصر نصیر است که می‌توانست فروش بهتری داشته باشد اگر در شرایط بهتری اکران می‌شد. البته بعید نیست وضعیت فروش این فیلم با توجه به تمام شدن فصل امتحانات بچه‌ها بهتر از این شود.

سرو زیر آب



اما «سرو زیر آب» فیلم در حوزه سینمای جنگ اکران موفق نداشت. محمدعلی باشه‌آهنگر که معمولاً نگاه متفاوتی به وقایع جنگ داشته و آثار درخوری چون «ملکه» را ساخته است، پس از سال‌ها با «سرو زیر آب» به سینما آمد اما این حضور برای مخاطب چشمگیر و خیره‌کننده نبود. «سرو زیر آب» به‌رغم حضور بازیگرانی چون بابک حمیدیان، مینا ساداتی، مسعود رایگان،

مهتاب نصیرپور، رضا بهبودی و... و توجه به حضور اقلیت‌های مذهبی در هشت سال دفاع مقدس که موضوعی متفاوت به حساب می‌آید، به موفقیت خوبی در گیشه دست پیدا نکرد هر چند که جشنواره فجر سیمرغ‌های زیادی را به سمت این فیلم هدایت کرده بود.

بمب؛ یک عاشقانه



باز هم دهه ۶۰ البته این‌بار با نگاهی متفاوت و سینمایی‌تر؛ اما این دلیل رغبت مخاطب برای تماشای «بمب؛ یک عاشقانه» نیست چرا که کثرت ساخت آثار مربوط به سال‌های دهه ۶۰ دیگر برای مخاطب چندان جذابیت ندارد. اما تکرار زوج لیلا حاتمی و پیمان معادی از جذابیت‌های این اثر است. بعد از تجربه موفق و افتخار آفرین «جدایی نادر از سیمین» لیلا حاتمی و پیمان معادی هر کدام نزد مخاطب اعتباری داشتند و حالا پس از چند سال این زوج برای دومین بار در یک اثر تکرار شدند، تکراری که به هیچ‌وجه تکراری نیست. فارغ از تاثیر ناخودآگاه ترکیب این دو بازیگر در جذب مخاطب، پیمان معادی نیز به‌عنوان نویسنده و کارگردان تا به حال آثار قابل قبولی را روانه پرده سینما کرده و اتفاقاً رضایتمندی مخاطب از آن نیز بالا بوده است، به همین سبب در وهله اول مخاطب مجاب می‌شود حتماً یک روز خود را برای تماشای فیلم جدید معادی خالی کند. اما فیلم در جشنواره فیلم فجر مورد توجه قرار گرفت و ساختار خوب آن می‌تواند در ادامه این موفقیت تاثیرگذار باشد. چنانکه پس از گذشت مدت‌ها چندان کم اکران این اثر همچنان گیشه آن پر رونق است.

مارموز



تازه‌ترین ساخته کمال تبریزی در شرایط بدی اکران شد. حتم دارم اگر این فیلم در بازه زمانی عید نوروز و یا فصل تابستان به اکران می‌رسید، غوغایی به‌یادماندنی را در سینما ثبت می‌کرد. اما به‌رغم فصل‌ها چندان مطلوب اکران این فیلم، «مارموز» شروع خوبی داشته و توانسته به فروش قابل توجهی دست پیدا کند. همچنین پیش‌بینی می‌شود فیلم در ادامه نیز موفقیت بیشتری را در گیشه کسب کند. «مارموز» جزو اولویت‌های مخاطب برای تماشاست چرا که اثر کمال تبریزی کارگردان نام‌آشنای سینماست، یک حامد بهداد با مزه و متفاوت دارد و از همه مهم‌تر برای مردم ایران که همواره دغدغه سیاست دارند جذاب است چون با سیاست و جامعه سیاستمداران شوخی می‌کند، آن‌هم شوخی‌های تند و تیزی که به مذاق مخاطب خوش می‌آید. فارغ از همه این‌ها موفقیت «مارمولک» ساخته دیگر کمال تبریزی و مشابهت‌هایی میان عنوان این دو اثر باعث می‌شود مخاطب برای تکرار تجربه خوشایندی که از تماشای «مارمولک» داشته، مشتاق تماشای «مارموز» نیز باشد. گرچه این دو اثر ربطی به یکدیگر ندارند اما «مارموز» هم یک کمدی سیاسی موفق است که همین جسارت شوخی با سیاست و سیاستمداران آن را جذاب کرده و باعث موفقیت آن شده است تا چیزی از «مارمولک» تبریزی کمتر نداشته باشد.

کلمبوس



هاتف علیمردانی رگ خواب مخاطب را خوب بلد است و با آثاری که تا به حال ساخته، همیشه مخاطب را راضی نگه داشته است. او پس از ساخت آثار اجتماعی و حتی فیلمی چون «آباجان» که می‌توان آن را به سینمای جنگ نسبت داد این‌بار «کلمبوس» را ساخت؛ یک کمدی سیاه که حرف‌های تلخ اجتماع خود را با زبانی نرم‌تر بیان می‌کند. فیلم اصلاً کمدی نیست و شاید بخشی از مخاطبان که توقع تماشای یک اثر کمدی را داشتند پس از دیدن «کلمبوس» چندان راضی نباشند اما این‌ها از وجود ویژگی‌های مطلوب اثر تازه علیمردانی چیزی کم نمی‌کند. علیمردانی در این اثر تب و تاب مهاجرت و وضعیت کنونی جامعه ایران را دستمایه خود قرار داده و از این حیث حرفی آشنا را به مخاطب خود می‌زند و همین آنقدر برای تماشاگر ملموس است که اثر را تا انتها دنبال می‌کند و از تماشای آن پشیمان نمی‌شود اما به جهت جان‌نفتادن گونه کمدی سیاه، شاید برخی از کسانی که قصد تماشای یک فیلم کمدی و زدن قهقهه‌های مکرر را داشتند این فیلم را موفق ندانند هر چند که فیلم هم اصلاً قصدش چنین چیزی نبوده است.

میلیونر میامی



«میلیونر میامی» می‌خواهد کمدی سیاه باشد اما در این مسیر آنچه‌چنان‌که باید موفق نیست. فیلم نه شبیه عموم کمدی‌های سینماست و نه توانسته در گونه کمدی سیاه خود را به‌خوبی بگنجاند به همین سبب تکلیف مخاطب نیز با آن مشخص نیست. دومین ساخته مصطفی احمدی بعد از فیلم «تزدیک‌تر» باز هم نتوانست اتفاق خوبی را رقم بزند. فیلم با داشتن چند ستاره مخاطب‌پسند مثل حمید فرخ‌نژاد، طناز طباطبایی، صابر ابر و علی قربان‌زاده برای ایفای چهار کاراکتر اصلی، فقط با اغماض در کشاندن مخاطب به سینما موفق بوده اما در راضی نگه داشتن او خیر! البته در شرایطی که کمدی‌های نامطلوبی به‌لحاظ کیفی در سینما جولان می‌دهند، حرکت برخی فیلمسازان به سمت کمدی سیاه و ایجاد جریانی پرمغزتر در سینمای کمدی ولو این‌که چندان موفق نباشد جای تقدیر و توجه دارد!

بی‌نامی



فیلم سینمایی «بی‌نامی» نخستین ساخته علیرضا صمدی با نقش آفرینی باران کوثری و حسن معجونی که هر دو نزد مخاطب جایگاه ویژه‌ای دارند تا به امروز نتوانسته موفقیتی در اکران به دست بیاورد. شاید بهتر بود این فیلم به‌دلیل لحاظ نگاهی متفاوت در محتوا و اجرا در گروه هنر و تجربه اکران می‌شد، به نظر می‌رسد اکران در گروه آزاد چندان برای این اثر تصمیم درستی نبوده است. «بی‌نامی» فیلم وضعیت‌است و وضعیت امیر و همسرش با بازی حسن معجونی و باران کوثری را به تصویر می‌کشد. «بی‌نامی» شرح وضعیت زن و شوهری است که سال‌ها پیش دانشجوی تئاتر بودند و باهم ازدواج می‌کنند و در یک کافی‌شاپ مشغول به کار می‌شوند، اما بر حسب اتفاق یکی از همکاران آن‌ها گم می‌شود. قهرمان قصه یعنی امیر به بهانه یافتن او به دنبال خود نیز در گذشته می‌گردد و سعی می‌کند از یک بحران خارج شود.